

عوامل فوز و فلاح در قرآن و تفسیر آن بر اساس ادعیه

محمد ابراهیم^۱

برات محمد هدایتی^۲

چکیده

هدف آفرینش انسان رسیدن به سعادت است. در ادبیات قرآن کریم از سعادت با نام‌های مختلفی بیان شده است. واژگانی مانند فوز و فلاح بیانگر رستگاری، سعادت و کامیابی انسان است. این دو واژه از منظر ادعیه اهل بیت (علیهم‌السلام) تفاسیر زیبایی شده است. برای رسیدن به این هدف می‌بایست عوامل فوز و فلاح را شناخت؛ لذا باید این عوامل را در قرآن و ادعیه مورد بررسی قرار داد.

در روش نگارش این مقاله، ابتدا عوامل فوز و فلاح را در آیات قرآن استخراج کرده و سپس بر اساس الگوی بینامتنی متناظر همان عوامل را در ادعیه ائمه (علیهم‌السلام) به دست آوردیم و در نهایت آنها را در سه دسته شناختی، گرایشی و رفتاری دسته بندی کردیم. نتیجه اینکه ایمان، مهمترین عامل فوز و فلاح در حیطه شناختی و توسل، عفاف و حجاب و تزکیه، از مهمترین عوامل گرایشی فوز و فلاح است و اطاعت و جهاد از مهمترین عوامل رفتاری فوز و فلاح است که در قرآن و ادعیه ذکر شده است.

کلیدواژه‌ها: عوامل فوز، عوامل فلاح، ادعیه، تفسیر قرآن

^۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد مدرسه عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی (علیه‌السلام) العالمیه نمایندگی خراسان

^۲. استاد همکار مدرسه عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی (علیه‌السلام) العالمیه نمایندگی خراسان

قرآن کتاب آسمانی الهی و بیان‌گر راه هدایت و تکامل انسان است، از این‌رو سراسر قرآن، یا مستقیماً یا غیرمستقیماً، راه صحیح و راه نجات و رستگاری انسان را بیان کرده است و هیچ آیه‌ای بی‌ربط با هدایت و رشد انسان نیست.

بی‌گمان، سعادت و رستگاری یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بشر است که افراد، برای رسیدن به آن، راه‌ها و مکاتب مختلفی را در پیش گرفته و نوعاً هر گروه راه گروه‌های دیگر را بدگویی می‌کنند؛ لازم است این مسئله که از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

از منظر قرآن کریم و ادعیه مورد بحث قرار گیرد و زوایای گوناگون آن جستجو شود. با وجود اهمیت فراوان موضوع یاد شده، متأسفانه تاکنون در این زمینه هیچ کتاب و پایان‌نامه‌ای نوشته نشده و یا احیاناً اگر نوشته شده، به آن دست پیدا نکرده‌ام و آثار برجای مانده از گذشتگان، بیشتر مطالبی است که در ضمن مباحث دیگر مطرح شده، جامع نیستند و یا در یک جایگاه دیگری سیر نموده‌اند. افزون بر این کتاب مستقلاً که این موضوع را با نگاه قرآنی و نگاه ادعیه مورد بحث قرار داده باشد سراغ نداریم لذا به نظر رسید که باید در این موضوع کار قرآنی و ادعیه، نسبتاً جامعی صورت بگیرد. از این‌رو، من به آن رسیدم. تا موضوع این پایان‌نامه را تحت عنوان تفسیر آیات فوز و فلاح بر اساس ادعیه انتخاب نموده و در این زمینه تحقیق خواهم کرد. البته ناگفته نماند که منظور از فوز و فلاح در این نوشتار تنها فوز و فلاح آخرت نیست بلکه هم سعادت دنیوی مدنظر قرار گرفته و هم به جنبه اخروی آن پرداخته شده.

نکته دومی که باید یادآور شوم این است که باوجود اینکه محور بحث فلاح و رستگاری از منظر قرآن و ادعیه است؛ ولی برای تبیین زوایای موضوع و تکمیل بحث، نکات ذیل را مورد بررسی شده است.

۱. شماری از واژه‌های کلیدی که به معنی تفسیر، آیات، فوز، فلاح، ادعیه، بکار رفته و یا با آن هم‌معنا است، مورد بحث قرار گرفته و از نظر لغت، معنی‌شناسی شده و سپس از دیدگاه مکاتب مختلف بدان پرداخته شده است. البته ناگفته نماند با توجه به اینکه برای ریشه‌یابی لغات معمولاً به کتب و منابع دسته اول مراجعه می‌شود، ما نیز این امر را از نظر دور نداشته‌ایم ولی در بعضی موارد که ریشه کلمه مورد نظر در کتب فوق‌الذکر یافت نشده و یا به‌خوبی بدان پرداخته نشده است لذا ناگزیر شدیم که به منابع دسته دوم و یا کتب لغت دوم و یا کتب لغت دیگر ارجاع بدهیم.

۲. در مباحث، افزون بر قرآن کریم، از روایات ائمه (علیهم‌السلام) که مفسران حقیقی قرآن می‌باشند، بهره گرفته شده است.

واژه‌شناسی

واژه فوز از ماده «فازَ فَوْزًا» گرفته شده است. فوز بالامر: بر آن چیز دست یافت، «مِنْ الْمَكْرُوهِ»: از آن بدی نجات یافت، «الرَّجُلُ»: آن مرد نابود شد و مُرد. (رضا مهیار، ۱۳۷۵، ص ۳۴۴) واژه فلاح نیز از «فَلَحَ» به معنای شکاف و گشایش است: «فَلَحَ الشَّيْءُ يَفْلَحُهُ فَلَاحًا: شَقَهُ». (ابن منظور بی تا: ۵۸۴:۲) به کشاورز «فَالِح» می‌گویند؛ زیرا برای کشت و زرع زمین را می‌شکافد. بر همین پایه، این ماده درباره هر نوع پیروزی و رسیدن به مقصود و خوشبختی به کار رفته است؛ چه در امور دنیوی و چه در امور اخروی. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲:۶۴۴)

این واژگان در زبان عربی و فارسی مترادفاتی نیز دارد. مانند واژه نجات. نجات عبارت است از نجات پیدا کردن و خلاصی یافتن و انفصال از شیئی، نجا فلان من فلان یعنی فلان کس از فلانی رهایی یافته و جدا شد. این واژه در اصطلاح فقهی و قرآنی نیز به همین معنا کاربرد داشته و مورد استفاده و استعمال قرار می‌گیرد. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۶۴۷)

واژه ظفر نیز به معنی پیروز شدن؛ غلبه ظفر شدن: «مصدر لازم» قدیمی «ظفر یافتن» ظفر یافتن: مصدر لازم پیروز شدن؛ دست یافتن به مراد؛ غلبه کردن هست. (قریشی، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۲۱۱، ۱۳۱۲)

از نظر واژه‌شناسان، فوز، نجات و ظفر همگی به یک معنا هستند؛ مانند رسیدن به پیروزی عظیم، رستگاری و همچنین مکان فوز و جای رستگاری می‌باشد رستگاری به معنای رهایی از کارهای دنیوی نیست، بلکه رستگاری به معنای رهایی از گناهان است. (حسن عمید، ۱۳۹۰، ص ۵۴۴)

واژه نجاج نیز از مترادفات است. نجاج در لغت، موفقیت، به هدف رسیدن، پیشرفت، توفیق ظفرمندی، موفقیت‌آمیز بودن (عمید، ۱۳۹۰:۸۵۶) همچنین واژه سعادت در لغت، خوشبختی، نیکی بختی، خوشبخت شدن، نیک‌بخت شدن، (فراهیدی، ۱۴۹۰، ج ۳، ص ۲۵۷) است.

فوز و فلاح در اصطلاح

غایت هر انسان، دستیابی به کمال و سعادت است که آدمی بر اساس عقاید و باورهایش آن را ترسیم می‌کند. مفهوم اصلی فوز را باید در پرتو ایمان راستین نگریست. پیشینه آیات قرآن در موضوع فوز آینه تمام‌نمایی از نتایج مثبت اعمال صالح بندگان مؤمن است. واژه فوز در هندسه آیات قرآن بازتاب درجات مختلف مؤمنان است. این مراتب از ورود و خلود در بهشت آغاز می‌شود و به رضایت و رضوان الهی که حد عالی

رستگاری است، منتهی می‌شود؛ به دیگر سخن، اصطلاح قرآنی فوز بیانگر آینده اعمال مؤمنان در جهان آخرت است و به میزان اعمال نیکوی خداپاوران ترقی و تنزل می‌یابد. (نبأ/۳۱-۲۶)

فلاح، فوز، نجاح، ظفر و سعادت همه الفاظی هستند که معانی‌شان نزدیک به هم لذا راغب فلاح را به رسیدن به آرزو که همان معنای سعادت است تفسیر نموده و در مفردات خود گفته فلح به معنای شکافتن است و در مثل گفته شده است. «الحديد بالحديد يفلح» یعنی آهن از آهن شکافته می‌شود و اگر زراعت را «فلاح» هم گویند، دلیل است که زمین را شخم می‌زنند. (عمید، ۱۳۹۰: ۷۸۵)

تفاوت فوز و فلاح

اگر جامعیت زبان عربی و اعجاز ادبی قرآن کریم را در نظر بگیریم، باید دانست که واژگان و جملات قرآن کریم از جهات مختلف مترادف و نیز از جهات مختلف با یکدیگر متفاوت به نظر می‌رسند. با تحقیق در کتاب‌های لغت متوجه تفاوت فوز و فلاح می‌شویم. «الفوزُ: الظفر بالخير، والنجاح من الشر» يقال فاز بالجنه و نجا من النار» (فراهیدی، ۱۴۹۰، ج ۷، ص ۳۸۹)

و قوله «جل عزه» فلا تحسبنهم بمفازة من العذاب، ای منجاء (آل عمران/۱۸۰) در کتاب العین، فوز را با پیروزی تعریف شده است که به معنای همراه با خیر و برکت است (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۳، ص ۱۸۰) و با استناد به آیه سوره آل عمران، فوز را به معنای رهایی از عذاب گرفته‌اند؛ و «فوز» به معنای رهایی از عذاب، است. همچنین در کتاب جمهره اللغه: «الفَوْزُ: ضِدُّ الهلاك» پیروزی: در برابر نابودی، معنی شده است. (الازدی البصری، ۱۴۹۰، ج ۲، ص ۸۲۲)

فوز در مقابل هلاک معنا شده است؛ بنابراین «فوز» به معنای پیروزی، رهایی از شر و عذاب است و در واقع کلمه مقابل آن نابودی و هلاک است؛ اما در فرهنگ لغت فلاح به این معنا آمده است: «الفَّلَاحُ و الفَّلَحُ لغه، البقاء فی الخیر و فَلَاحُ الدهر: بقاءه» فلاح در اینجا به معنای بقاء و خیر است؛ و در کتاب تهذیب لغت، هم برای فلاح نیز همین معنا گفته شده است. (فراهیدی، ۱۴۹۰، ج ۳، ص ۲۳۳)

«الفَّلَاحُ و الفَّلَحُ السَّحُورُ و هو البقاء فی الخیر؛ و فی الأَدَانِ حَىَّ علی الفَّلَاحِ، یعنی هَلَمَّ علی بَقَاءِ الخیر» و یک‌بند از اذان نیز نقل شده است. «حی علی الفَّلَاحِ» به معنای شتافتن برای بقاء در خیر که همان نماز است. (قمی ۱۳۷۸: ص ۲۰۲)

در نتیجه طبق تحقیقات به معنی (فوز) و «فلاح» در ترجمه فارسی این‌ها مترادف هستند، اما در واقع فوز به معنای پیروزی، نجات و در برابر نابودی است.

«فلاح» به معنای تداوم و بقای خیر است؛ که به نظر می‌رسد در واقع این دو کلمه مقابل «خسران» نیستند.

زیرا خسران به معنای زیان و کمبود و زیان است و باید در مقابل آن واژه «ربح» و «نفع» نگه داشته شود، نه کلمات فوز و فلاح.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

از مجموع آنچه تاکنون ذکر شد به این نتیجه می‌رسیم که همه این توضیح و تشریح یک نکته را در ذهن دارند و آن این است که کلمه فوز می‌تواند همان معنای سعادت و رستگاری را بیان می‌کند، بنابراین دیدگاه نادرست و ناقص از فوز و رستگاری دیدگاهی است که فلاح و رستگاری را در غیر از اطاعت پروردگار و رسول خدا و ائمه (علیهم‌السلام) به تبع آن نرسیدن به بهشت و مصون نماندن از عذاب جهنم است.

عوامل نجات و کامیابی انسان از نگاه قرآن و ادعیه

سعادت و رستگاری، یکی از آمال و آرزوهای دیرینه جامعه بشری بوده است که از دیرباز تاکنون افکار و اندیشه‌ها را به خود مشغول داشته و در هر عصر و زمانی، یکی از مباحث مهم و جنجال برانگیزی میان اندیشمندان جامعه و نحله‌های فکری و فرهنگی و عقده‌ی مطرح بوده و هرکدام برای رسیدن به آن، برنامه‌ها و مؤلفه‌هایی را برای پیروانشان ارائه نموده و چیزهایی را به‌عنوان عوامل و اسباب رسیدن به آن، ذکر کرده‌اند؛ اما از آنجائی که موضوع بحث ما بیان نقطه نظرات اسلام و ارائه دیدگاه قرآن کریم و ادعیه هست، چنانچه با بررسی آیات و ادعیه پی می‌بریم که ملاک و معیار فوز و فلاح، ایمان و عمل می‌باشد ولی قبل از آن لازم می‌دانم برای روشن شدن این موضوع مقدمه‌ای را به‌عنوان هدف از خلقت انسان از دیدگاه قرآن کریم و ادعیه متذکر شویم.

یعنی باید ببینیم که ما برای چه آفریده شده‌ایم؟ و هدف از آفرینش و آمدن ما به این جهان چیست؟ و با مراجعه به قرآن کریم و ادعیه، جواب این سؤالات و پرسش‌های مشابه، به‌خوبی روشن می‌شود و آن اینکه هدف از آفرینش انسان، چیزی نیست که بازگشت به ذات مقدس احدیت داشته باشد بلکه باید این هدف را در بیرون ذات او جستجو کرد، هدفی که به خود مخلوقات باز می‌گردد و مایه کمال و سعادت و رستگاری خود آن‌هاست و لذا در آیات قرآن تعبیرهای مختلفی نیز درباره هدف آفرینش انسان ذکر شده است که به‌عنوان نمونه به آن‌ها اشاره می‌شود. مثلاً در یک جا مسئله آزمایش و امتحان انسان‌ها از نظر حسن عمل به‌عنوان یک هدف معرفی شده است. «الذی خلق الموت و الحیاه لیبلوکم أیکم أحسن عملاً» (ملک، ۲) او کسی است که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را آزمایش کند، کدامین نفر بهتر عمل می‌کنید؟

امام سجاده (علیه السلام) در همه دعاها با زبان دعا و مناجات، شنوندگان را به سوی این واقعیت بی‌نظیر راهنمایی می‌کند. امام در دعا‌های مختلف با محور قرار دادن خداوند در همه دعاها به ما می‌فهمانند که خداوند باید در تمام شئون زندگی انسان محور باشد. هدف خداوند بدون شک حضور خداوند در متن زندگی است. اساساً نقش هدف نهایی در مسیر زندگی چیزی جز تداوم حضور و تحقق خداوند نیست. پس خود خدا که هدف نهایی است، باید محور باشد، نه چیزهایی که رابطه ما و خداست، زیرا واسطه امور میانی مبنای رسیدن به این مقام است. امام سجاده (علیه السلام) در کتاب سجاده انسان را به هدف نهایی آفرینش هدایت کرد؛ یعنی الله تعالی با اصطلاحات و مفاهیم مختلف توضیح می‌دهد که رابطه انسان با خدا چیست. این مفاهیم هدف خاصی دارند و نقش واسطه‌ای دارند و آنچه محور و معیار است حقیقت است. در زیر مفاهیمی را در صحیفه سجاده نقل می‌کنیم که رابطه انسان و خدا را بیان می‌کند. «وَ اجْعَلْنَا مِنْ اُسْعَدِ اَهْلِهِ بِهٍ» (انصاریان، ۱۳۸۹: شرح صحیفه سجاده، دعای ۴۵ بند ۴۹) ما را از خوشبخت‌ترین اهل این ماه به وسیله‌ی آن قرار ده؛ یعنی کسانی را که به عبادت و بندگی مشغول بودند در آن قرار دهید. قرب مفهوم دیگری که نحوه ارتباط با خدا را بیان می‌کند، قرب است. قرب به معنای نزدیکی در مکان و زمان نیست، بلکه به معنای نزدیکی و ارتباط معنوی مراد است. رابطه‌ای که در شخصیت انسان نهفته است و او را به خدا نزدیک می‌کند و می‌فرماید: «وَ تَقَرَّبْتُ اِلَيْكَ بِمَا لَا يَقْرُبُ اَحَدٌ مِنْكَ اِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهٍ» (انصاریان، ۱۳۷۹: شرح صحیفه سجاده، دعای ۴۷ بند ۷۲) و با وسیله‌ای به تو تقرّب جستم که کسی جز با تقرّب به آن، به مقام قرب تو نرسد. عبودیت از نظر صحیفه سجاده خوشا به حال کسی که به محل عبادت برسد. سعادت واقعی در کسب علم یا لذت یا قدرت بیشتر و امثال آن نیست، بلکه سعادت انسان تنها از ارتباط با خداست.

دستیابی به فوز در مقام تحقق نیازمند زمینه‌ها و عمل بدان‌ها است. در نگاه آیات قرآن کریم عوامل و زمینه‌های فراوانی انسان را به رستگاری می‌رساند که توجه یا بی‌توجهی آدمی به این زمینه‌ها و استفاده کردن و یا در نظر نگرفتن آن‌ها می‌تواند آدمی را به مقصد نزدیک یا از آن دور سازد.

اما عواملی که هم از نظر قرآن و هم نظر ادعیه، انسان را به رستگاری می‌رساند و او را برای سعادت‌مند ابدی می‌کند عبارت‌اند از:

۱. عوامل مربوط به حیطة شناختی
۲. عوامل مربوط به حیطة گرایشی
۳. عوامل مربوط به حیطة رفتاری

الف) عوامل شناختی فوز و فلاح در قرآن و ادعیه

۱. ایمان

ایمان به خدا اولین چیزی است که انسان را در مسیر خودسازی به سوی کمال یعنی تقرب به خداوند متعال و در نتیجه پیشرفت به سوی سعادت می‌رساند. ایمان روح همه اعمال و سرعت است، انسان شایسته بودن و بدون ایمان نمی‌توان به سوی کمال حرکت کرد. خداوند متعال در قرآن کریم آیه اول سوره مؤمنون می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (مؤمنون/۱) بی‌تردید مؤمنان رستگار شدند.

الفلاح از ماده فلاح و فلاح در اصل به معنی شکافتن و بریدن است، سپس به هر نوع پیروزی و رسیدن به مقصد و خوشبختی اطلاق شده است. در حقیقت افراد پیروزمند و رستگار و خوشبخت موانع را از سر راه برمی‌دارند و راه خود را به سوی مقصد می‌شکافند و پیش می‌روند.

پیروزی و رستگاری دنیوی در آن است که انسان آزاد و سربلند و بی‌نیاز زندگی کند و این امور جز در سایه ایمان امکان‌پذیر نیست و رستگاری آخرت در این است که در جوار رحمت پروردگار، در میان نعمت‌های جاویدان، در کنار دوستان شایسته و پاک و در کمال عزت و سربلندی به سر برد. (مکارم ۱۳۸۱: ج ۱۴، ص ۱۹۴)

و همچنین اولین چیزی که باید از خدا بخواهیم ایمان کامل است. امام سجاد (علیه السلام) هم همان معنی ایمان را این در دعا توضیح می‌دهند. امام در این دعای بند اول می‌فرماید: «بلغ بایمانی اکمل الإیمان» (انصاریان ۱۳۷۹: ترجمه و شرح صحیفه سجادیه دعای ۲۰، بند ۱)

طبق این آیه و این دعا رستگاران کسانی هستند که ابتدا به خدا ایمان آورند. امام نیز در این دعا همان معنایی را گفته است. امام هم می‌خواهند همین را بگویند که منظور از کمال ایمان این است؛ یعنی اقرار به وحدانیت او و یگانگی پیامبرانش، تأیید کنند. قیامت و به سوی او بازگشت و تأیید هر دستوری که رسولش آورده است؛ که خداوند در این آیات فرموده است، یعنی معنا و مفهوم دعا و آیه یکی است.

ب) عوامل گرایشی فوز و فلاح در قرآن و ادعیه

۱. توسل

یکی از عوامل فوز و فلاح در قرآن و ادعیه آمده است. توسل است از نظر قرآن و ادعیه، دنیا انبار وسایل است و برای رسیدن به هر چیزی باید از ابزار و وسیله صحیح استفاده کرد و از نظر قرآن ادعیه یافتن و به دست آوردن وسیله و وسیله صحیح بسیار

مهم است. یک انسان پایه می‌تواند با استفاده از ابزار مناسب خود را نجات دهد؛ اما توسل در امور در این دوران به‌ویژه توسل به اهل‌بیت (علیهم‌السلام) در دنیا نقش اساسی دارد، همچنان که شفاعت آنان در رستگاری آخرت مردم نقش اساسی دارد. توسل شدن است. همان‌گونه خداوند درباره وسیله در این آیه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده/۳۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و وسیله‌ای برای تقرب به او بجوئید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید: سپس دستور می‌دهد که وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمایید. «وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»

و سرانجام دستور به جهاد در راه خدا می‌دهد «وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ» و نتیجه همه آن‌ها این است که در مسیر رستگاری قرار گیرید «لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

بنابراین وسیله در آیه فوق معنی بسیار وسیعی دارد؛ و هر کار و هر چیزی را که باعث نزدیک شدن به پیشگاه مقدس پروردگار می‌شود شامل می‌گردد که مهم‌ترین آن‌ها ایمان به خدا و پیامبر اکرم و جهاد و عبادات همچون نماز و زکات و روزه و زیارت‌خانه خدا و همچنین صلح‌رحم و انفاق در راه خدا اعم از انفاق‌های پنهانی و آشکار و همچنین هر کار نیک و خیر است. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۱، تفسیر نمونه، ج ۴، ص: ۳۶۵)

امام سجاد (علیه‌السلام) هم در رابطه وسیله در این فراز می‌فرماید: «إِلَهِي لَيْسَ لِي وَسِيلَةٌ إِلَيْكَ إِلَّا عَوَاطِفُ رَأْفَتِكَ وَ لَا لِي ذَرِيعَةٌ إِلَيْكَ إِلَّا عَوَارِفُ رَحْمَتِكَ، وَ شَفَاعَةُ نَبِيِّكَ» خدایا به پیشگاهت وسیله‌ای جز عواطف مهرت ندارم و به درگاهت دست‌آویزی جز آنچه از رحمت شناخته‌شده؛ و جز شفاعت پیامبرت پیامبر رحمت. در این آیه روی سخن به افراد با ایمان است و به آن‌ها سه دستور برای رستگار شدن داده‌شده: (عباس قمی، مفاتیح الجنان، مناجات خمس عشره: راز و نیاز توسل جویان)

در این آیه و دعا، روش دعا کردن را توضیح داده‌شده است. در هنگام دعا و استغاثه به درگاه الهی، به اسبابی توسل کند که واسطه‌ی پذیرش توبه و اجابت دعای او و برآورده شدن خواسته‌هایش باشد؛ مانند اسماء؛ و صفات الهی یا وجود مقدس پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) و دیگر اولیاء الله.

و همان‌گونه شفاعت پیامبران و امامان و بندگان صالح خدا که طبق صریح قرآن باعث تقرب به پروردگار می‌گردد، در مفهوم وسیع توسل داخل است و همچنین پیروی از پیامبر و امام و گام نهادن در جای گام آن‌ها زیرا همه این‌ها موجب نزدیکی به ساحت قدس پروردگار است حتی سوگند دادن خدا به مقام پیامبران و امامان و صالحان که نشانه علاقه به آن‌ها و اهمیت دادن به مقام و مکتب آنان می‌باشد جزء این مفهوم وسیع است.

۲. عفاف و حجاب

یکی از عوامل رستگاری عفاف و حجاب است. همچنین در قرآن و هم دعاهای ائمه هدی (علیهم السلام) ذکر شده است. از فضائل اخلاقی به معنای پاک دامنی، حالتی در وجود انسان است که آدمی را از انجام محرمات باز می‌دارد. در این آیه خدا درباره حجاب می‌فرماید: «الَّذِينَ لَمْ يَبْظُفِرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (قرآنی ۱۳۸۸، تفسیر نور، ج ۶، ص ۱۷۵)

با اینکه خداوند در قرآن به جزئیات احکام نماز و زکات اشاره نکرده و بیان آن‌ها و بسیاری از مسائل دیگر را به عهده‌ی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گزارده، ولی در بیان مسائل خانوادگی و تربیتی به ریزترین مسائل پرداخته است. همچون مردان که باید از نگاه آلوده به زنان بپرهیزند، زنان نیز نباید از روی شهوت به مردان نامحرم بنگرند، بلکه باید نگاه خود را کنترل کنند و زینت و زیبایی خود را از نامحرم بپوشانند، جز صورت و دست‌ها که به‌طور طبیعی ظاهر است و پوشش آن‌ها، موجب مشکلاتی در انجام امور زندگی می‌شود.

امام زمان (علیه السلام) در این دعا در مورد حجاب فرموده‌اند که اگر حجاب داشته باشد از چشم شیطان در امان می‌ماند و از بندگان مقرب خدا می‌شود. از نظر اسلام در جایگاه حجاب اگر انسان حجاب و پاک دامنی داشته باشد به خدا نزدیک می‌شود خدا از راضی و خشنود می‌شود انسان رستگار است. «لَلَّهِمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ... وَ عَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَ الْعِفَّةِ» (الکفعمی العاملی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۸۰)

حفظ عفاف و حجاب مایه رستگاری است؛ و دشمن در واقع با هدف قرار دادن حجاب و عفاف درصدد نابودی رستگاری جامعه است. در جامعه عفاف و حجاب از ضرورت دین اسلام است و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این حجاب عفاف برای هر دو زن و مرد مستجاب یکی از مهم‌ترین عبادات زنان است و زنان محجبه پیوسته برای ارج نهادن به این معنویت به عبادت می‌پردازند. بی‌شک حیا همان اخلاق پسندیده‌ای است که انسان را از هر بدی باز می‌دارد و با بازدارندگی از گناه، انسان را از گناه نجات می‌دهد. اسلام مبتنی بر حیا است، زیرا قانون شرعی است که همه اعمال را تنظیم می‌کند، به همین دلیل است که همه انبیا بر حیا تأکید داشتند.

مطالب که بالا گفته شد. همان‌طور که امام در این دعا در مورد حجاب فرموده‌اند، انسان با داشتن حجاب به خدا نزدیک می‌شود و در آرامش و نظم در جامعه زندگی می‌کند؛ و مقام رستگاری و سعادت‌مند خواهد شد.

۳. تزکیه

یکی از عوامل سعادت و رستگاری تزکیه نفس است. خداوند در مورد تزکیه نفس در قرآن فرموده است، همین‌طور در دعای ائمه (علیهم‌السلام) درباره تهذیب نفس آمده است. تزکیه به معنای رشد دادن است، سپس این کلمه به معنای تطهیر و پاک کردن می‌آید. سعادت و رستگاری یکی از نتایج تزکیه نفس، نیل به خیر و سعادت ابدی است و باید دانست که انسان تا نفس خود را از هر بدی پاک نکند، سعادت کامل حاصل نمی‌شود. همان‌طور که خداوند در قرآن در مورد تزکیه نفس می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس/۹) سپس، این واژه به معنی تطهیر و پاک کردن نیز آمده، شاید به این مناسبت که پاک‌سازی از آلودگی‌ها سبب رشد و نمو است و در آیه مورد بحث، هر دو معنی امکان دارد.

آری، رستگاری از آن کسی است که نفس خویش را تربیت کند، رشد و نمو دهد و از آلودگی به خلق و خوی شیطانی و گناه و عصیان و کفر پاک سازد و در حقیقت، مسئله اصلی زندگی انسان نیز، همین تزکیه است که اگر باشد سعادت‌مند است و الا، بدبخت و بینوا. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۹، ج ۲۶، ص ۴۱۷)

همان‌گونه این واژه به معنی تطهیر و پاک کردن نیز در دعا هم آمده است. در این دعا هم از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) درباره تزکیه نفس نقل شده است. «اللَّهُمَّ أَتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا، وَ أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا وَ زَكَّاهَا وَ أَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكَّاهَا» (ابن موسی طاووس، ۱۴۱۶: ج ۱ ص ۵۳۲) پروردگارا به نفس من تقوایش را مرحمت کن، تو ولی و مولای آن هستی و آن را تزکیه فرما که تو بهترین تزکیه‌کنندگانی.

بنابراین تهذیب نفس به پاک‌سازی نفس انسان از بدی‌ها و گناهان موجود در آن، از آلودگی‌ها و ناخالصی‌هایی که مانع رشد، معنوی می‌شود، اطلاق می‌شود. فرآیند غلبه بر همه این خواسته‌های شیطانی را تزکیه نفس می‌نامند. تهذیب نفس یک اصطلاح قرآنی است، تطهیر در اصطلاح شرعی به معنای پاک نگه‌داشتن نفس از حرام، معیوب و مکروه است که در قرآن و ادعیه به حرام، معیوب و مکروه گفته شده است.

ج) عوامل رفتاری فوز و فلاح در قرآن و ادعیه

۱. اطاعت

یکی از عوامل فلاح و فوز که در قرآن و ادعیه آمده، اطاعت است بر اساس دیدگاه توحیدی، انسان باید مطیع و تابع امر الهی باشد و برای همه اطاعت او بر طبق اطاعت خداوند باشد، زیرا مالکیت واقعی عالم از ذات حق است. همان‌طور که خداوند در قرآن در

مورد اطاعت فرموده است، در این آیه در مورد اطاعت توضیح می‌دهد. «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ يَخْشِ اللَّهَ وَ يَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۹، تفسیر نمونه ج ۱۴، ص ۵۲۲)

کسی که مطیع خدا و رسول او است و مؤمن حقیقی هم هست و هم در باطن او ترس خدا و هم در ظاهر او به شهادت تقوایش ترس از خدا می‌باشد، رستگار است و قاعده و کبرای کلی این است که به‌طور کلی هر کس خدا و رسول او را اطاعت کند و از خدا بترسد و تقوی پیشه کند، تنها این چنین کسان رستگارانی.

همان‌طور که در این فرز امام در رابطه با اطاعت می‌فرماید. «وَايَا مَنْ طَاعَتْهُ نَجَاهُ لِلْمُطِيعِينَ» و ای که فرمان برداری‌ات برای فرمان برداران نجات و رهایی بخشد. دین واقعی اطاعت و فرمانداری از خداست. (قمی، مفاتیح‌الجنان، بخش ادعیه و مناجات)

اطاعت یعنی چه، یعنی از نیت و از خواست خود بیرون بیا و طبق خواست من رفتار کن. اگر می‌گویند جنگ کن اگر می‌گویند صلح کن اگر می‌گویند ازدواج بکن، از دواج بکنیم اگر می‌گویند نه کند، نکنیم، اگر می‌گویند در اینجا زندگی کن، زندگی بکن، اگر بگویند آن طرف دنیا زندگی کن، بکن اگر بگویند هجرت کن بکن، اگر بگویند برو جنگ کشته بشو، معنی اطاعت این است. اطاعت خالصانه و اطاعت از خدا، دستور خداوند برای مؤمنان است.

پس و هر کس خدا و رسولش را اطاعت کند و خدا را عبادت کند و از سرپیچی از اوامر او پرهیز کند، چنین افرادی رستگار می‌شوند.

۲. جهاد

یکی از عوامل رستگاری جهاد است، درباره آن در قرآن و ادعیه آمده است. می‌دانیم که بهترین جهاد در اسلام، جهاد نفس است، چنانکه پیامبر اکرم ﷺ در یکی از احادیث معروف خود از جهاد اکبر نام برده است.

به عبارت دیگر، جهاد با دشمن بزرگ که جهاد اصغر نامیده شده است تا زمانی که انسان از مرحله جهاد اکبر به معنای واقعی عبور نکند، اصولاً ممکن نیست. جهاد در راه خدا به دو قسم است، جهاد با دشمنان دین و جهاد با نفس. جهاد در هر دو زمینه موجب رستگاری است.

همان‌گونه خداوند متعال درباره جهاد در قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» آن‌ها که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا جهاد نمودند مقامشان نزد خدا برتر است و آن‌ها پیروز و رستگارند. کلمه جهاد به معنای بذل جهد و کوشش در دفع دشمن است و بیشتر بر مدافعه به جنگ اطلاق می‌شود ولیکن گاهی

به‌طور مجاز توسعه داده می‌شود به‌طوری‌که شامل دفع هر چیزی که ممکن است شری به آدمی برساند می‌شود؛ مانند شیطان که آدمی را گمراه می‌سازد و نفس اماره که آن نیز آدمی را به بدی‌ها امر می‌کند و امثال این‌ها. در نتیجه جهاد شامل مخالفت با شیطان در وسوسه‌هایش و مخالفت با نفس در خواسته‌هایش می‌شود که رسول خدا ﷺ این قسم جهاد را جهاد اکبر نامید و ظاهراً مراد از جهاد در آیه مورد بحث معنای اعم از آن و از این باشد و همه را شامل شود مخصوصاً وقتی می‌بینیم که آن را مقید به قید در راه خدا کرده به‌خوبی این عمومیت را می‌فهمیم چون این آیه جهاد را متعلق کرده بر کاری که در راه خدا انجام شود پس جهاد اعم است. (مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۴۰۲)

همان‌طور که خداوند در مورد جهاد توضیح داده است، امام سجاد (علیه السلام) نیز در این دعا در مورد جهاد فرموده است. «وَ اجْعَلْ جِهَادَنَا فِیْكَ وَ هَمَّانَا فِی طَاعَتِكَ وَ اُخْلِصْ نِیَاتِنَا فِی مُعَامَلَتِكَ» و جهاد ما را در راه خود و دغدغه ما را در اطاعت از تو و نیت خالصانه ما را در برخورد با تو قرار ده که من با تو و برای تو هستم و جز تو برای تو وسیله‌ای نداریم. (مجلسی، زاد العماد، ج ۱، ص ۴۱۱)

جهاد با نفس برای رسیدن به صفات اخلاقی اسلام لازم است، زیرا اگر انسان نفس خود را رها کند، هواهای نفسانی او را گمراه می‌کند و سعادت دنیا و آخرت را از او می‌گیرد جهاد یعنی بندگی خدا و به‌طور مطلق، بنابراین توجه به قرآن و ادعیه در این اصل ملاک مهمی است.

قرآن کریم و ادعیه، رسیدن به سعادت اخروی را برای انسان، یعنی اصل توفیق اخروی برای انسان می‌داند. پس باید بیشتر به فکر آخرت باشد. فلاح و رستگاری انسان در بهشت است. بدون جهاد با نفس هرگز تربیت نخواهیم شد. در روح ما آرزوهایی وجود دارد که ما را به سقوط و نابودی می‌کشاند و آرزوهای معنوی نیز ما را به ملکوت و رضای خدا می‌رساند. اگر نفس را رها کنیم، انسان را با تمایلات حیوانی و جنسی تحقیر می‌کند. رستگاری انسان در سایه جهاد با روح است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله به عوامل فوز و فلاح در قرآن کریم و ادعیه پرداختیم. عوامل مذکور در سه نوع شناختی، گرایش و رفتاری دسته‌بندی شدند. مهمترین عوامل شناختی، ایمان است و مهمترین عوامل گرایشی، توسل، عفت و تزکیه است. در عوامل رفتاری نیز مهمترین آنها اطاعت و جهاد است.

در هر کدام از این بخش‌ها، آنها را بر اساس الگوی بینامتنیت بر اساس ادعیه ائمه علیهم‌السلام شرح داده و ارتباط هر دو متن با یکدیگر را بررسی کردیم. نتیجه اینکه اگر کسی به دنبال فوز و فلاح و به عبارت بهتر، کامیابی در دنیا و آخرت است، می‌بایست به این عوامل توجه کند و در زندگی خود آنها را به کار ببندد.

منابع:

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه
- اسماعیلی یزدی، عباس، فرهنگ صفات (اخلاقی) ناشر: مسجد مقدس جمکران چاپ، ۱۳۸۶ ش.
- انصاریان، حسین، شرح دعاهای صحیفه سجادیه، ناشر: دارالعرفان، تهران چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
- انصاریان، حسین، شرح دعای کمیل، ناشر: دارالعرفان، قم. چاپ ۲. ۱۳۸۲ ش.
- انصاریان، شیخ حسین، نهج‌البلاغه ترجمه و شرح. ناشر: دارالعرفان قم. چاپ ۳. ۱۳۸۸ ش.
- باقرالعلوم، گروه حدیث نویسنده، مؤسسه امام حسین علیه‌السلام ناشر: معروف، قم چاپ اول ۱۳۷۳ ش، چاپ ۲. ۱۳۸۷ ش.
- حسینی تهرانی، سید محمد محسن، آیین رستگاری ناشر: انتشارات وحی، تهران چاپ ششم، ۱۳۱۱ ش.
- حسینی، حسین بن احمد، تفسیر قرآن سبک روایی و تحلیلی، ناشر: میقات تهران چاپ سوم، ۱۳۶۳ ش.
- ۸خمنی، سید روح‌الله، صحیفه امام خمینی (ره) مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) تهران چاپ ۱. ۱۳۸۹ ش.
- رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر و علوم قرآن ناشر: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، قم، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
- رضوان فر، احمد، فرهنگ اخلاقی معصومین علیهم‌السلام ناشر: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.
- سجادی، سید رسول، بررسی و نقد دیدگاه روش بنت الواطی در عدم تضاد قرآن کریم، ناشر راه دکتري، تهران چاپ اول، ۱۳۹۵ ش.
- شجاعی، محمد صادق، دعا و سلامت روان ناشر: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.

- شیرازی، ناصر مکارم و دیگران، تفسیر نمونه، فارسی، ناشر درالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ۳۲، ۱۳۸۰ ش.
- عباسی، غلام علی، پرتوی از مکتب زهرا، ناشر: قم زائر، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ناشر امیرکبیر، نوبت چاپ ۳۸، ۱۳۹۰ ش
- فاضل، محمد علی، شرح دعاء عرفه، ناشر: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ ۱. ۱۳۷۸ ش.
- فیض الاسلام، سید علی نقی، نهج البلاغه ترجمه و شرح، تهران: فقیه، چاپ دوم، ۱۳۶۷ ش.
- قرائتی، محسن، تفسیر نور فارسی، ناشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
- فرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن فارسی نشر درالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ششم، ۱۳۱۲ ش.
- کمرهای، محمد باقر، گنجینه معارف، ناشر {بی‌نا} ایران چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
- مطهری، مرتضی، قیام انقلاب مهدی ناشر انتشارات صدرا قم چاپ سوم، ۱۳۹۵ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، دیگران، تفسیر نمونه قم: چاپخانه بزرگ قرآن، چاپ اول ۱۳۸۱ ش.
- مهیار رضا، فرهنگ ابجدی، فارسی - عربی ناشر اسلامی، تهران، چاپ اول ۱۳۷۵ ش.
- نصری، عبدالله، مبانی انسان‌شناسی در قرآن، ناشر: اندیشه اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴ ش.
- ابن درید، محمد بن حسن، جمهره اللغه، ناشر: دار العلم للملایین بیروت چاپ ۱، ۱۹۸۷ م.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول. ناشر: دار الکتب الاسلامیه، تهران. چاپ ۱. ۱۳۸۰ ش.
- ابن طاووس، سید علی ابن موسی. مِصْبَاحُ الزَّائِرِ ناشر، موسسه آل البيت قم، چاپ ۱، ۱۴۱۶ ق.
- ابن عطیه، عبد الحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، ناشر: دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ ۱، ۱۴۲۲ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، الناشر: دار صادر، بیروت، چاپ ۱۴۱۴، ۳ ق.
- ابوحیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، ناشر: الکتب الکبیر، بیروت چاپ ۱، ۱۴۲۰ ق.

- ازهرى، محمد بن احمد، تهذيب اللغة، ناشر: دار احياء التراث العربى بيروت، چاپ ۱، ۱۴۲۱ ق.
- ألوسى، محمود بن عبدالله، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم، ناشر: دار الكتب العلميه، بيروت، چاپ ۱، ۱۴۱۵ ق.
- بلاغى، محمد جواد، آلاء الرحمن فى تفسير القرآن، ناشر: وجدانى، قم، چاپ ۲، ۱۳۵۲ ق.
- تممى آمدى، عبدالواحد بن محمد، غررالحكم و درر الكلم، ناشر: دارالحديث، قم چاپ ۲، ۱۳۸۳.

